



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

زمان چاپ: ۱۴۰۱/۲/۱۵

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

بررسی جلوه‌های سیاست جنایی تقنینی-قضایی در قلمرو جرایم بانکی

هادی ملک

دانشجوی کارشناس ارشد حقوق مالی اقتصادی

(hadi.malek694@gmail.com)

چکیده

جرائم بانکی که به طور همزمان با پدید آمدن جوامع جدید شکل گرفتند، همگام و متناسب با پیشرفت و توسعه سیستم‌های پولی و مالی کشورها، پیچیدگی و گستردگی بیشتری پیدا کرده‌اند. از جمله آثار مهم اجتماعی و اقتصادی این جرائم، انتقال قدرت اقتصادی از بازار، دولت و شهروندان به مجرمان و سازمان‌های مجرمانه است تا جایی که در صورت توسعه این جرائم در جامعه و عدم مبارزه جدی با آنها و افزایش قدرت بزهکاران حوزه بانکی، به نوعی دولت تحت کنترل آنها قرار می‌گیرد. بنابراین آسیب‌پذیری اقتصاد و سیستم بانکی کشورها ناشی از جرائم بانکی، یکی از معضلات مطرح در دنیای کنونی است. هدف این مقاله بررسی جلوه‌های سیاست جنایی تقنینی-قضایی در قلمرو جرایم بانکی می‌باشد. با توجه به نتایج اخلاقی در فعالیت مؤسسات اعتباری، پولی و بانکی و عدم نظارت بانک مرکزی در بازار پول، خلاف شفافیت و انضباط پولی بوده و نتایجی همچون ورشکستگی بانک‌ها، به خطر افتادن امنیت سپرده‌های مردمی و در نهایت اخلاقی در نظام اقتصادی، پولی و بانکی را به دنبال خواهد داشت. حجم عظیم نقدینگی موجود در مؤسسات اعتباری، پولی و بانکی، تعداد زیاد سپرده‌گذاران این مؤسسات، لزوم رعایت احکام شرعی دایر بر ممنوعیت ربا، لزوم رعایت انضباط و شفافیت در بازارهای پولی و پیشگیری از بحران‌های اقتصادی، بانکی و امنیتی در ایران همگی مبین ضرورت سیاست‌گذاری‌های پیشینی و پسینی در این حوزه است.

کلمات کلیدی: سیاست جنایی، سیاست تقنینی، سیاست قضایی، جرائم بانکی

۱- مقدمه

با نظر به مفاهیم دینی و جامعه‌شناختی، ملاحظه خواهیم کرد که هر جامعه خواه ناخواه به صورت طبیعی و یا برنامه‌ریزی حساب شده و مبنایی، مجبور است پدیده جنایی را در جامعه مهار، کنترل و محاصره و یا محدود نماید. به طور کلی به مجموعه این سنت‌ها و ساز و کارها، برنامه‌ها و راه حل‌ها، اصطلاحاً «سیاست جنایی» می‌گویند. مفهوم سیاست جنایی، فارغ از تعاریف موسع و مضیق آن در چهار نوع سیاست جنایی تقنینی، قضایی، اجرایی و مشارکتی مورد تحلیل قرار می‌گیرد. از این رو در مبحث مربوط برای سیاست جنایی تقنینی جرایم بانکی، مجموعه تدابیر مبارزه با بزهکاری بانکی که در قانون متجلی شده است و ضمانت اجرای مطمئنی برای آن در نظر گرفته شده است، مد نظر قرار می‌گیرد. با این توضیح که مجموعه قواعد و مقررات و به طور کلی قانون به عنوان نماینده و نمودی از تدابیر و تفکرات تبیین‌کننده اصول و مبانی و اهداف سیاست جنایی می‌باشد و البته قانون مهمترین منبع یک سیاست جنایی مطلوب نیز محسوب می‌شود (نظری نژاد و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۹۱).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

نکته شایان ذکر اینجاست که فرآیند قانونگذاری در یک یا چند دوره ممکن است تحت تاثیر تفکرات سیاسی مختلف، مسیرهای متفاوت و حتی متضادی را طی نماید و به عبارت بهتر «سیاست جنایی تقنینی، دارای تاریخ یکنواختی نیست بلکه مسیرهای متلاقی و موازی را در کنار هم دنبال می‌نماید لذا، بررسی سیر تحولات جنایی یک نظام حقوقی در قبال گونه‌ای خاص از جرایم، مهمترین امر را به خود اختصاص می‌دهد.» (شیری و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۵۹).

از دیدگاه فوئرباخ دانشمند آلمانی، آغازگر اندیشه سیاست جنایی در سال ۱۸۰۳ میلادی، سیاست جنایی، شامل مجموعه شیوه‌های سرکوبی می‌شود که دولت از طریق آنها و با توسل به آنها علیه جرم واکنش نشان می‌دهد. از دیدگاه دلماس مارتی سیاست جنایی، شامل مجموعه روش‌هایی می‌شود که هیئت اجتماع با توسل به آنها به ساماندهی پاسخ‌ها در قبال پدیده مجرمانه، می‌پردازد (مولیگان، ۲۰۱۹: ۱۴). موضوع علم سیاست جنایی شیوه پاسخ دهی به پدیده بزهکاری است که برآیند نگاه حاکمیت به جرم و انحراف به همراه پاسخ‌های دولتی و جامع وی متضمن سیاست جنایی آن جامعه است. امروزه سیاست‌های کیفری مرسوم که با ابزارهای واکنشی، تنبیهی و سرکوب گر به دنبال مبارزه با جرم هستند، به حداقل موفقیت‌ها نائل شده‌اند و نابسامانی‌های ناشی از ناکارآمدی مجازات صرف، بر بیشتر واضعان سیاست جنایی آشکار شده است؛ حقیقتی که راهبرد پیشگیری از جرم را به عنوان مکمل تدابیر پیش بینی شده در سیاست جنایی دولت‌ها برجسته می‌سازد. ناگفته پیداست که جهت گیری کلی سیاست جنایی موضوعه یعنی سیاست جنایی تقنینی، قضایی و اجرایی بر اساس رویکرد سیاسی - فلسفی دولت یعنی حاکمیت مستقر به آزادی، برابری و قدرت و نیز به بزه، انحراف، کیفر، کرامت انسانی، حقوق بزه دیده، امنیت و مانند آن تعریف و مشخص می‌شود (علیزاده و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۱۱).

۲- مفاهیم

انواع سیاست جنایی: در این راستا می‌توان گفت سیاست جنایی دارای انواع مختلفی است که به سیاست جنایی قضایی، تقنینی، اجرایی و مشارکتی تقسیم می‌شود.

سیاست جنایی قضایی: سایت جنایی قضایی به معنای نحوه استنباط و برداشت دستگاه قضایی از سیاست جنایی تقنینی و نحوه اعمال قوانین و مقررات مربوطه است (غلامی، ۱۳۸۸: ۵۰۳). سیاست جنایی قضایی از بعد محدود و مضیق، در برگزیده سیاست جنایی انعکاس یافته در تصمیمها و آراء محاکم است. اما همین تنوع و کثرت تصمیمها و آراء در محاکم مانع مهمی در راه احراز یک سیاست جنایی قضایی واحد و به دنبال آن فقدان دسترسی به سیاست جنایی واحد و مشترک در کل نظام حقوقی است. به همین جهت است که سیاست جنایی قضایی را در وهله نخست شامل رویه قضایی عام یعنی عملکرد و برداشت قضات از قانون دانسته‌اند که در صورت بروز اختلاف در آراء و صدور احکام گوناگون، به طور معمول دیوان عالی کشور مبادرت به صدور رأی وحدت رویه در موضوع اختلافی می‌کند. در ایران، با عنایت به هدف نهایی و اساسی سیاست جنایی که مبتنی بر سزادهی، پیشگیری از بزهکاری و اصلاح و درمان بزهکاران است، به نظر می‌رسد وظیفه اصلی تحقق اهداف سیاست جنایی بر عهده قوه قضاییه است، زیرا در بند پنجم اصل ۱۵۶ قانون اساسی، اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمان از وظایف احصایی و اصلی قوه قضاییه محسوب می‌شود. هر چند دست یابی به چنین هدفی برخلاف ظاهر امر، مستلزم همکاری و هماهنگی تمام نهادهای مرتبط است و در این میان، نمی‌توان نقش و رسالت اجتناب ناپذیر قوای مجریه و مقننه را در تدوین، شکل گیری و اجرای سیاست جنایی نادیده انگاشت و این موضوع، نافی تکالیف محوری قوه مجریه در اجرای اصول قانون اساسی به ویژه در باب حقوق ملت و قوه مقننه در تصویب مقررات مربوطه نیست. به همین دلیل، برخی اعتقاد دارند که شاید بتوان اختصاص این تکلیف سنگین به قوه قضاییه را از باب تغلیب دانست، زیرا مرجعی که برخورد بیشتری با مجرمان داشته، تعقیب، محاکمه و مجازات بزهکاران را برعهده دارد و همچنین می‌تواند طرح‌های پیشنهادی خود را در قالب لوایح قانونی به مجلس عرضه کند، قوه قضاییه است. افزون بر آن مسئولیت پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمان نیز به این قوه واگذار شده است که البته چنانچه بیان شد پذیرش مطلق این نظر با تأمل و بحث فراوانی روبرو خواهد بود (سعادت مهر و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۳). سیاست جنایی، قضایی و اجرایی ایران، از جهات مختلف با سیاست جنایی تقنینی و اصول و مبانی مربوط در تعارض است. مطابق یک معنا، سیاست جنایی قضایی به مفهوم نحوه استنباط و برداشت دستگاه قضایی از سیاست جنایی



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

تقنینی و نحوه اعمال قوانین و مقررات مربوط است که از اصل متغیر بودن تفسیر قواعد حقوق کیفری سرچشمه می‌گیرد. گفتمان سیاست جنایی تقنینی در همه زمینه‌ها و ابعاد، در قوه قضاییه، دادسراها و دادگاه‌ها، یکسان دریافت و اجرا نمی‌شود، بلکه مراجع قضایی هر یک ممکن است درک و برداشت متنوع و گوناگونی از آن داشته باشند. از این رو، به تعبیر برخی جرم‌شناسان، می‌توان نسبی بودن سیاست‌های جنایی تقنینی در زمان را در برابر نسبی بودن سیاست‌های جنایی قضایی در زمان و مکان قرار داد (عبادی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۴). طولانی بودن فرآیند رسیدگی به دعاوی موجب تراکم کار محاکم، خستگی عوامل انسانی، نارضایتی عمومی، کاهش اعتماد به دستگاه قضایی، کم رنگ شدن عدالت و امنیت، کاهش قاطعیت و اقتدار قوه قضاییه و صرف هزینه‌های گزاف و غیرضروری می‌شود. در امور کیفری نیز فاصله بین ارتکاب جرم و مجازات مرتکبان آنقدر زیاد شده است که اثر بازدارندگی مجازات را از بین برده و رعب و هراس مجرمان را از عواقب اعمالشان کاهش خواهد داد که نتیجه نهایی این امر افزایش جرائم، ناامنی و ازدیاد پرونده‌ها خواهد بود. این امر، نه با انصاف و عدالت همسانی دارد و نه با اصول و مبانی حاکم بر سیاست جنایی. به اعتقاد بکاریا، قوانینی که از اصول و طبیعت خود منحرف شوند، دگرگون و نابود خواهند شد. اعتقاد وافر بکاریا بر سرعت در اجرای کیفرها، امروزه به عنوان سرمشق و الهام بخش بسیاری از واضعان سیاست جنایی قرار گرفته است. وی بر این باور بود که هرچه کیفر سریع و بدون فاصله در تعاقب جرم اجرا شود، عادلانه تر و مفیدتر خواهد بود زیرا مقصر را از عذاب‌های موحش و بی‌هوده تردید و بلا تکلیفی که نیروی تخیل و احساس ضعف خود او آن را شدت می‌بخشد، برکنار خواهد داشت. از طرفی، هرچه زمان میان تبهکاری و کیفر کوتاه تر باشد، تداعی دو مفهوم جرم و کیفر در ذهن انسان قوی تر و پایدارتر خواهد بود، به نحوی که انسان رفته رفته یکی را علت و دیگری را معلول ضروری و حتمی به شمار می‌آورد (رضایی، ۱۳۹۷: ۱۱).

سیاست جنایی تقنینی: سیاست جنایی تقنینی، را نه تنها باید نخستین لایه سیاست جنایی محسوب کرد بلکه آن را باید هسته اصلی سیاست جنایی و تعیین کننده نوع پاسخ در قبال پدیده‌های مجرمانه تصور کرد؛ زیرا با توجه به اصول حاکم حقوق کیفری همانند اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها و تبعیت غیر قابل انکار از آن، خود بیانگر اهمیت نوع سیاست جنایی پی‌ریزی شده در قانون به وسیله قوه مقننه دارد. بر این اساس سیاست جنایی تقنینی عبارت است از «تدبیر و چاره اندیشی قانونگذار در مورد جرم و پاسخ به آن که با توجه به وابستگی سیاست جنایی به نظام سیاسی هر کشور حالت‌های مختلفی به خود می‌گیرد. سیاست جنایی تقنینی سلیقه قانون‌گذاران مختلف و انتخاب‌های آنان در انواع جرایم و مجازات‌ها و به طور کلی نحوه مقابله با پدیده مجرمانه و دادرسی جرایم است». بر اساس همین نوع سیاست جنایی کشورها در قبال پدیده‌ها است که کشورها را از لحاظ نوع نگرش و برخورد با پدیده‌های مجرمانه تقسیم بندی می‌کنند زیرا در واقع تجلی گاه جرم‌انگاری و تعریف و تعیین انواع پاسخ‌ها به رفتارهای حاکی از دور شدن از هنجارهای اجتماعی را که مجرمانه تلقی می‌شوند باید در سطح سیاست جنایی تقنینی یک کشور جست و جو کرد (جلالی و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۴).

سیاست جنایی اجرایی: با وجود استقلال قوای سه گانه، حکومت ناگزیر است برای اجرای قوانین داخلی از قوه مجریه بهره‌برد. این به آن معناست که قوه مجریه نیز از سیاست خاص خود برخوردار است. بنابراین سیاست جنایی اجرایی عبارت است از نحوه درک و اجرای قوانین و احکام قضائی در مورد کنترل جرم و واکنش‌های ضد آن با این تعریف می‌توان گفت که سیاست جنایی اجرایی مربوط به کلیه اقداماتی می‌شود که پس از صدور حکم در محاکم، در مرحله اجرای احکام مورد توجه و عمل می‌باشد، مانند بحث آزادی مشروط و عفو و شیوه اجرای انواع مجازات‌ها. سیاست جنایی اجرایی، سیاستی است که از سوی قومی مجریه به عنوان رکن اجرایی کشور در راستای تحقق بخشیدن به اجرای سیاست‌های جنایی اتخاذ شده از سوی قوای مقننه در پیش گرفته می‌شود (رضایی، ۱۳۹۷: ۱۱).

سیاست جنایی مشارکتی: در زمینه راهکارهای پیشگیرانه، تدابیر کنترلی و چگونگی مقابله با بزهکاری در حرکت است و با گذشت زمان این سیاست‌ها نیز تغییر می‌کنند. فساد اداری نیز از اعمالی است که علاوه بر جرم‌انگاری توسط مراجع قانونی، با خدشه دار کردن کارایی نظام اداری و زایل کردن مشروعیت نظام سیاسی و مطلوبیت نظام اجتماعی، نیازمند یک سیاست مطلوب و واکنش صحیح برای مهار و کنترل است. با پیشرفت همه جانبه جوامع بشری و افزایش فساد اداری در جوامع،



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

برنامه‌های سیاست جنایی نیز تغییر یافته و از سمت ضمانت اجراهای کیفی صرف، برای پیشگیری و مقابله با فساد اداری، به سمت سیاست جنایی بر پایه مشارکت جامعه مدنی در حرکت است که از آن به عنوان «سیاست جنایی مشارکتی» نام برده میشود. مشارکت کلمه‌های عربی بر وزن مفاعله است که در ادبیات عرب به معنای معاشرت و همراهی و در زبان فارسی در معانی شرکت دادن، انبازی کردن و تعیین سود یا زیان دو یا چند تن که با سرمایه‌های معین در زمان‌های مشخص به بازرگانی می‌پردازند، استعمال شده است. از واژه مشارکت معانی مختلفی از قبیل اشتراک مساعی، سهیم شدن، مسئولیت پذیری و تقسیم کاره ارائه شده است. هدف نهایی مشارکت، «سهیم شدن مردم در قدرت از شکل‌گیری تا اعمال»، «توزیع قدرت در بین مردم و سهیم کردن آنها در تصمیم‌گیری‌ها»، «امکان نظارت مردم بر سرنوشت خویش» و «ایجاد فرصت برای مردم جهت پیشرفت در مطالبه حقیقت از اداره در حاکمیت» است؛ به بیانی دیگر، از با ارزش‌ترین جنبه‌های مشارکت، برداشتن حاشیه نشینی مردم و جامعه مدنی است و هر کسی متناسب با ظرفیت و توانمندی به ایفای نقش می‌پردازد. نقشی که سازنده، از روی اعتماد، مسئولیت‌پذیری، تعهد و کارآمدی خواهد بود. پذیرش مشارکت در حاکمیت، منجر به شکوفا شدن نیروی ابتکار و خلاقیت در افراد و جامعه؛ بهبود سرمایه اجتماعی؛ بهبود شیوه‌ها و فرآیندها؛ تحقق جامعه مولد، منسجم، عقلایی و یادگیرنده میشود. جامعه در نتیجه افزایش قابلیت‌ها و ظرفیت‌ها، داشتن بازیگران توانمند، ساختارهای منسجم، فرآیندهای پاسخگو و محصولات دانش بنیان است. پر واضح است که این مهم به تحقق استحکام ساخت درون قدرت نظام منجر می‌شود (غلامی، ۱۳۸۸: ۵۰۳).

۳- تحولات سیاست جنایی ایران در قبال جرایم بانکی

از همان ابتدای پیدایش بانک، جرایم خاصی حوزه مالکانه این شخص حقوقی را تهدید می‌کرد. جرایمی که ذیل عنوان قانون مجازات عمومی جرم انگاری گردیده بود. شرح مواقع از این قرار بود که این مجموعه مقررات کیفی چون با نظم و امنیت مملکت ارتباط داشت، وضع آن از همان آغاز با شروع نهضت قانون نویسی مورد توجه بود، ولی به دلیل عدم رعایت مبانی شرعی و فرهنگی و تقلید از مبانی حقوق جزای غرب با مخالفت متشرعین، روبرو شد. البته وضع قانون اصول محاکمات جزایی چون، ناظر به ترتیبات و تشریفات رسیدگی بود با مشکلی مواجه نشد، ولی تدوین قانونی که ناظر به جرایم و مجازات‌ها باشد با مانع مزبور مواجه بود. در دوره سوم قانونگذاری، قانونی تحت عنوان «قانون جزای عرفی» از طرف دولت به مجلس شورای ملی تقدیم شد و از مجلس به کمیسیون قوانین عدلیه ارجاع گردید و قسمتهایی از آن نیز مورد مذاکره واقع شد، ولی به خاطر تعطیلی مجلس ناتمام ماند. در دوران وزارت عدلیه نصرت الدوله فیروزه، کمیسیونی در وزارت عدلیه تشکیل شد و با جلب نظریات «آدلف پرنی» مستشار عدلیه، لایحه مزبور در ۳۶۸ ماده به هیات دولت پیشنهاد و بنا به تصویب هیات دولت موقتاً لازم الاجرا شد. این قانون بر اثر مخالفت‌های علما در سال ۱۳۰۱ بنا به تصمیم هیات وزرا ملغی و اجرای آن متوقف شد. و بعدها در سال ۱۳۱۶ در دوران وزارت صدراشرف»، لایحه‌ای مشتمل بر ۲۵۲ ماده در باب اصلاح قسمتی از قوانین جزایی و از جمله مواد قانون جزای عمومی تقدیم مجلس شد (تذهیبی و همکاران، ۱۳۹۶: ۷۹).

شور اول این قانون طی چند جلسه صورت گرفته ولی ادامه بررسی آن متوقف شد. در سال ۱۳۱۸ در دوره وزارت دکتر متین دفتری بار دیگر لایحه قانون مجازات عمومی مشتمل بر ۵۸۶ ماده تقدیم مجلس شد. متین دفتری، به هنگام تقدیم آن، در یک مقدمه نسبتاً مفصل دلایل تدوین و تقدیم این لایحه و خصوصیات آن را بر شمرده. بطور خلاصه جرایم بر ضد مصالح عمومی و حقوق جامعه نسبت به جرایم بر ضد افراد بیشتر مورد توجه قرار گرفت، بخشی از سخنان متین دفتری چنین بود:

قانون مجازات فعلی ما اگر چه متضمن هر دو عنوان جرایم بر ضد افراد و جرایم بر ضد مصالح عمومی می‌باشد و اگر چه بیش از چهارده سال از عمر آن می‌گذرد و لیکن اقتباس از یک رشته اصول جزایی شده است که تا قرن نوزدهم رونق داشته و با تکامل علوم جزایی در قرن حاضر و نهضت فکری که در ساختمان دولتها از نظر حقوقی پیش آمده، به خصوص با ترقیاتی که در کلیه شئون اجتماعی این کشور و تغییرات اساسی که در زندگی مدتی حاصل شده، دیگر ماموریت مهم اجتماعی خود را نمی‌تواند کاملاً انجام شده بداند، مصالح ارتش شاهنشاهی، منافع خزانه عمومی، حمایت از بنگاههای مالی و صنعتی از قبیل راه آهن، بانکها و کارخانجات ... تدابیر بهداشتی اینها اموری است که بعد از قانون مجازات فعلی کسب اهمیت خاصی کرده



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

است. در این لایحه، در درجه اول، اهمیت مخصوصی به جرایم بر ضد شخصیت بین المللی و داخلی دولت و مقدسات ملی و جرایم بر ضد اقتدارات و حاکمیت و حیثیت دولت و مامورین دولت... و بطور خلاصه اینکه جرایمی که مضر به نظام عمومی جامعه باشد...» (باقرزاده، ۱۳۹۲: ۱۰۸).

این لایحه که مقتبس از قوانین کشورهای آلمان و ایتالیا بود، در هشتم آذرماه ۱۳۱۸ بوسیله محمد سروری کفیل وقت وزارت دادگستری مورد تایید قرار گرفت. ولی به دلیل رخدادهای جنگ جهانی اول، بررسی و تصویب آن در مجلس متوقف ماند. با این حال، همانطور که از سخنان مرحوم دکتر متین دفتری نیز بر می آید، لایحه قانون مجازات عمومی آن زمان به اقتضای خودش حامی مصالح خزانه عمومی و حمایت از بنگاه‌های مالی و صنعتی از قبیل بانک‌ها و... بوده و در موارد متعددی به مبارزه با جرایم بانکی پرداخته است. این روند تا پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ادامه داشت. با وقوع انقلاب اسلامی و استقرار حکومت اسلامی، لازم بود که قوانین ماهوی مدنی و کیفری با قوانین اسلامی منطبق گردد. بعد از سال ۱۳۹۱ چنین امری به تدریج صورت گرفت و بسیاری از مقررات خلاف شرع آن لغو شد ولی به دلیل تفصیل مواد و احتمال طرح دیدگاهها و نظرات مختلف، تدوین قانون وقت زیادی را می طلبید. لذا برای گریز از بن بست‌ها و خلاءهای قانونی و جریان داشتن قضاوت اسلامی، قوانین مذکور طبق اصل ۸۹ قانون اساسی به صورت آزمایشی و تنها پس از تصویب در کمیسیون قضایی مجلس و تایید شورای نگهبان قابل اجرا بود. با تصویب قوانین کیفری مذکور و اصلاحات ایجاد شده در قانون مدنی، قضاوت شرعی در دستگاه قضایی جریان قانونی یافت و محاکم از بلا تکلیفی و سرگردانی خارج شدند. در مجموع این قوانین نیز ملاحظه می نماییم که سیاست جنایی نظام در قبال جرایم خاصی چون تخلفات بانکی همسوی با سایر تحولات اساسی کشور دچار دگرگونی شده و عملاً مندرجات و مواد قانون مجازات اسلامی ملاک عمل قرار می گیرد (ثروتی، ۱۴۰۰: ۱۴۰).

۴- بررسی عناصر قانونی جرایم بانکی

همانطور که می دانیم، فعل یا ترک فعل انسانی هر اندازه زشت و نکوهیده و برای نظام اجتماعی و اقتصادی زیان بخش باشد تا زمانی که حکمی بر آن وارد نشده و یا در قانون پیش بینی نشده باشد قابل مجازات نیست. به بیان دیگر مادام که مقنن فعل یا ترک فعلی را جرم نشناسد و کیفری برای آن تعیین ننماید، افعال انسان مباح است. به همین صورت در مقوله جرایم بانکی نیز، رعایت عنصر قانونی الزامی می باشد. اساساً با این که در اسلام بر لزوم قانونی بودن جرم و مجازات از چهارده قرن پیش دلایلی می شناختند، ولی نخستین بار قانونگذار کشور ما به هنگام تنظیم متمم قانون اساسی (مورخ ۲۹ شعبان ۱۳۲۰ ه. ق) لزوم آن را به پیروی از قوانین اروپایی در اصل دوازدهم که مقرر می داشت: «حکم به اجرای هیچ مجازاتی نمی شود مگر به موجب قانون» تصریح کرد. در نظام کیفری کشورهای غربی، سابقه تاریخی اصل قانونی بودن جرم و مجازات به قرن هیجدهم بر می گردد. تا آن زمان، مقامات قضایی این کشورها در تعیین جرم، پیش بینی میزان کیفرها حد و مرزی نمی شناختند و براساس فرمانها و عرف و عادات مردم حکم می دادند و ابهام و اجمال نصوص قانونی منشاء تفسیرهای شخصی دادرسان و در نتیجه آرای متفاوت بود و در موارد سکوت قانون به خودکامگی آنان می انجامید (حسینی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۵).

بکاریا و منتسکیو از جمله نخستین فیلسوفانی بودند که در این قرن بر لزوم قانونی بودن جرم و مجازات و تفکیک قوای سه گانه که ضامن استقلال دادرسان بود تاکید ورزیدند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز لزوم قانونی بودن جرم را در اصل یکصد و شصت و نهم رسماً شناخته است. به موجب این اصل: «هیچ فعل یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است جرم محسوب نمی شود. به عبارت دیگر فعل یا ترک فعل انسان مادام که پیش از آن موضوع امر و نهی قانونگذار قرار نگرفته باشد جرم به شمار نمی رود. درباره لزوم قانونی بودن مجازات نیز اصل سی و ششم قانون مذکور اعلام می دارد: «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.» در این اصل علاوه بر تعیین مجازات نحوه اجرای آن نیز منوط به تصریح قانون شده است. همچنین ماده ۲ قانون مجازات اسلامی با این مضمون که: "هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم محسوب می شود، دلالت بر لزوم قانونی بودن جرم و مجازات دارد." (شیری، ۱۳۹۷: ۱۶۱).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ذکر این اصول در قانون اساسی به این معنی است که نه تنها دادرسان از تعیین جرم و مجازات منع شده‌اند و احکام آنان باید مستند به قوانینی باشد که در زمان وقوع فعل معتبر است، بلکه قانونگذاران نیز نمی‌توانند با وضع قوانین عادی تشخیص اعمال مجرمانه و یا تعیین نوع و میزان مجازات را به اختیار دیگر قوا و مقامات واگذار نمایند. بنابراین، تعبیر دیگر اصل قانونی بودن جرم و مجازات این است که فقط قانونگذار صالح است در حدود مقرر در قانون اساسی به تشریح جرم و تعیین مجازات بپردازد. زیرا، وظیفه وضع قانون به موجب قانون اساسی با مجلس قانونگذاری است.

۵- ادغام راهبردهای پیشگیرانه؛ راهبردی ضروری

در جرائم بانکی پیشگیری از جرائم بانکی، به جهت وقوع مهمترین جرائم اقتصادی در حوزه بانکی از اهمیت بالایی برخوردار است. به دنبال ارائه الگو و راهکار جهت پیشگیری از جرائم بانکی، پیاده‌سازی تکنیک‌های پیشگیری از جرم و ادغام راهبردهای پیشگیرانه در بانک‌ها امری ضروری به نظر می‌رسد. تفکرات جرم‌شناختی بر این امر تأکید دارند که اینگونه جرائم در بردارنده نوعی تزویر هستند، چرا که برای خارج کردن قانونی پول از جریان قانونی مالی و اقتصادی یا طفره رفتن از تعهدات قانونی در بستر فعالیت‌های اقتصادی بانک‌ها، حيله و تقلب به کار می‌رود و اوضاع و احوال اقتصادی، نوع نظام اقتصادی و فرهنگی، بیکاری و خلا قانونی و عدم شفافیت مقررات اقتصادی، پولی و بانکی به عنوان عواملی وضعی و فرصت ساز در ارتکاب اینگونه جرائم نقش دارند (هورن، ۲۰۱۱: ۱۳). در فرایند امور بانکی در ایران، به جهت تدوین مقررات پراکنده توسط نهادهای متعدد قانون‌گذاری، نهادهای نظارتی مختلف وجود دارد. از سوی دیگر، به جهت مبادلات روزانه با حجم نقدینگی بالا، مؤسسات پولی و بانکی بر پایه آموزه‌های جرم‌شناختی به عنوان آماج مناسبی برای مجرمان یقه سفید و کارکنان این مؤسسات و اشخاصی که ارتباط تنگاتنگی با این مؤسسات دارند، محسوب می‌شود. از این رو، تدوین سیاست جنایی پیشگیرانه کارآمد ناظر بر فعالیت‌های پولی و بانکی در راستای سلامت نظام پولی و بانکی ضروری به نظر می‌رسد. همچنین با توجه به نقش زیر بنایی بانک‌ها در توسعه اقتصادی کشور و ضرورت اصلاح ساختار بانکی در جهت پیشگیری از وقوع جرائم بانکی، به منظور تحقق اهداف برنامه‌های ششم چشم‌انداز توسعه اقتصادی، جرائم و تخلفات بانکی در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی بایستی مد نظر متولیان سیاست جنایی قرار گیرد. ابزارهای حقوقی پیشگیرانه در زمینه فعالیت‌های پولی و مالی، همان مقررات اقتصادی هستند که با وضع آنها از بروز جرائم و تخلفات پولی و مالی پیشگیری می‌شود و راه‌های سوءاستفاده از شبکه بانکی به حداقل ممکن کاهش می‌یابد (غلامی و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۹۷).

اما بدیهی هست که در این بین، اقدام‌های نسبت به مقررات پسینی، از جمله پیشگیرانه، قطعاً کیفرگذاری‌ها، از بازدهی و اثربخشی بیشتری وضع مقررات با استفاده از ابزارهای برخوردارند. قطعاً حقوقی کنترل و نظارت در بانک‌ها از سازوکارهای مدیریتی حاکمیت شرکتی از اولویت زیربنایی برخوردار است، به نحوی که بدون تهیه و تدوین و اصلاح مقرره‌های مربوط به حسابداری و حسابرسی بانک‌ها به عنوان ضوابط جزئی تا قوانین شرکت‌ها، بورس و بازار سرمایه به عنوان ضوابط کلی، نمی‌توان به اهداف پایدار حاکمیت شرکتی نائل شد. بنابراین با پیشبینی چنین راهکارهای حقوقی می‌توان از بروز جرائم بانکی پیشگیری مؤثری به عمل آورد. اتخاذ سیاست‌های سرکوب‌گرانه در قبال اخلاف در نظام پولی و بانکی، به تنهایی نمی‌تواند موجب مهار این جرائم و پیامدهای اجتماعی و امنیتی آنها به دلیل سازمان‌یافته و یقه‌سفید بودن بزه‌کاران آنها شود؛ بنابراین علاوه بر آن، نیازمند اتخاذ تدابیر پیشگیرانه، به ویژه تدوین قوانین ماهوی و شکلی متناسب و روزآمد، اصلاح ساختار اقتصادی کشور، به خصوص در شرایط تحریمی و اجرای سیاست‌های کوچکسازي واقعی دولت و رعایت شایسته‌سالاری، سلامت و شفافیت فرایندها، پاسخگویی و نظارت هست. نظارت بر بانک‌ها را می‌توان در قالب نظارت طبقه‌بندی کرد. و نظارت احتیاطی دستوری نظارت دستوری ناظر بر نوعی از نظارت استصوابی است که شامل امر و نهی مستقیم و در عمل به معنای دخالت همه جانبه در امور داخلی بانک به بهانه نظارت است، در حالی که نظارت احتیاطی به نوعی از نظارت مفید و سازنده اشاره دارد که تنها در راستای تأیید سلامت نظام بانکی صورت می‌گیرد و فقط ابعاد حیاتی و ضروری نظارت را دربردارد. بنابراین از حیث تضمین پیاده‌سازی و اجرای مقررات حاکمیت شرکتی، نظارت احتیاطی به جهت تعیین چارچوب‌ها و حفظ رقابت و پیشگیری از تخطی بانکها از سوی دیگر حائز توجه بیشتری است (ثروتی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۳۶). نظارت احتیاطی بر بانک‌ها به دو روش



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

نظارت مستقیم یا بازرسی در محل و نظارت غیرمستقیم یا بازرسی خارج از محل اعمال می‌شود. در روش نظارت مستقیم، تیم‌های ویژه بازرسی از نزدیک بانک را جهت ارزیابی اطلاعات رسیده از دفاتر یا مصاحبه با کارکنان آنها تحت بررسی قرار می‌دهند. در روش نظارت غیرمستقیم هم ناظران بانک مرکزی، اطلاعات و آمار یادشده را تجزیه و تحلیل و ارزیابی کرده و گزارش‌های لازم را جهت تصمیم‌گیری‌های بانک مرکزی تهیه می‌کنند. علاوه بر استفاده از تمامی روش‌های موجود برای پیشگیری اجتماعی و وضعی از جرم، مهمترین راه حل اساسی کاهش جرائم بانکی، اصلاح ساختار بانک‌ها و استقرار حاکمیت شرکتی در آنها است؛ بنابراین حاکمیت شرکتی بانکی مؤثرترین فنی است که اهداف راهبردهای پیشگیری از جرائم بانکی را تأمین می‌کند. حاکمیت شرکتی در بانک‌ها دربرگیرنده همه قوانین، مقررات، ساختارها و فرایندها، فرهنگ‌ها و نظام‌هایی است که موجب دستیابی به هدف‌های پاسخگویی، شفافیت، عدالت و رعایت حقوق ذینفعان می‌شود و ضمن ایجاد یک ساختار شفاف و قابل اعتماد در بانک، احتمال بروز انواع تخلفات و جرائم بانکی را به حداقل می‌رساند (بنی‌نعیمه و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۷).

هدف اصلی مقررات حاکمیت شرکتی بانکی، شفاف‌سازی و پاسخگویی در بورس و بازار پول و سرمایه است. برقراری شفافیت، جهت پیشگیری از سوءاستفاده متصدیان بانکی و فساد بانکی، نقش بسزایی داشته و در ادبیات جرم‌شناختی معاصر و رویکرد بین‌المللی توجه شایانی را به خود جلب کرده است، اما باید توجه داشت که جریان آزاد اطلاعات و شفاف‌سازی توسط دارندگان قدرت در جامعه می‌تواند جهت مقابله با بزه‌کاری شهروندان عادی نیز نقش بسزایی داشته باشد. از این رو، شفافیت قوانین و مقررات نظام پولی و بانکی کشور، از جمله مسائلی است که باید به صراحت، حیطه‌های فعالیت‌های اقتصادی بانک‌ها را بیان کند. در این میان، پیشگیری از جرائم بانکی در فضای مجازی امری همگانی بوده و بانک‌ها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی در امر پیشگیری و آگاه‌سازی شهروندان و آموزش مسائل امنیتی بانکداری الکترونیک باید پیش‌قدم باشند. بانکداری الکترونیکی را می‌توان استفاده و نمایش فناوری‌های گوناگون و متفاوت خدمات و گسترش ماشین‌های خودپرداز و ارائه مستقیم صورت‌حساب پرداخت اتوماتیک و انتقال الکترونیکی وجوه و بانکداری خانگی تعریف کرد دسترسی به بانکداری الکترونیکی و شبکه‌های اینترنتی، حاشیه امن مناسبی را برای بزه‌کاران پولی قرار می‌دهد؛ بنابراین ضرورت دارد که در تدوین سیاست‌های اقتصادی، مالی و جنایی این موضوع مد نظر قرار گیرد. یکی از ابزارهای انتقال الکترونیکی وجوه، کارت‌های بانکی هستند که علاوه بر افزایش سودآوری بانک‌ها، در کاهش احساس ناامنی مشتریان و رضایت‌مندی آنها هم تأثیر بسزایی دارند. با توجه به جایگزینی بانکداری الکترونیکی، شایسته است سیستم بانکی برای شناسایی تراکنش‌های بانکی مشکوک، فناوری‌های پیشگیرانه به کار بندد و سامانه‌های پرداخت مجهز به روش‌های کنترلی دقیق را در سامانه خدمات بانکی تعبیه کند. بانک مرکزی در جهت پیشگیری وضعی، لازم است نظارت مؤثری بر تأسیس بانک‌ها و مؤسسات مالی داشته باشد. رعایت ضوابط احراز هویت، طبقه‌بندی اشخاص، تعیین سطح فعالیت مشتریان بانک، روابط کارگزاری با سایر بانک‌ها هم برای پیشگیری از جرائم بانکی نظیر پولشویی ضروری است. به منظور افزایش شفافیت تراکنش‌های بانکی، مبارزه با پولشویی و پیشگیری از فرار مالیاتی، به بانک مرکزی هم اجازه داده شده است حساب‌های بانکی اشخاص حقیقی فاقد شماره ملی و افراد حقوقی فاقد شناسه ملی را مسدود کند و همچنین انتقال وجه با مبلغ بالاتر از حد آستانه را برای اشخاص حقیقی از طریق همه تراکنش‌های بانکی و سایر ابزارهای پرداخت، مشروط به درج بابت و در صورت نیاز به ارائه اسناد مثبت کند (بند ح تبصره ۱۶ قانون بودجه سال ۱۳۹۸ کل کشور). از سوی دیگر، زمینه‌ها و شیوه‌های تقلب، کلاهبرداری و پولشویی در معاملات اعتبار اسنادی باید شناسایی و راهکارهایی برای بانکداران جهت پیشگیری از این جرائم بانکی ارائه شود. پس از شناسایی تکنیک‌های تقلب و کلاهبرداری‌های صورت گرفته در مؤسسات پولی و بانکی، سیستم‌های شناسایی تقلب هم بایستی به کار گرفته شوند که در این میان، تجمیع و ترکیب رویکردهای تشخیص سوءاستفاده و تشخیص ناهنجاری، بهترین راه‌حل به نظر می‌رسد. تکنیک تشخیص سوءاستفاده تلاش می‌کند که حملات مشاهده شده قبلی را در قالب یک الگو یا امضا تشخیص دهد. به عنوان مثال، می‌توان به تغییر مداوم یک پوشه یا تلاش‌های متعدد به منظور خواندن یک فایل حاوی رمزهای عبور اشاره کرد. رویکردهای تشخیص سوءاستفاده شامل سامانه‌های خبره، استدلال بر پایه مدل، تجزیه و تحلیل عبور حالت و مانیتورینگ پویای ضربه کلید است. استفاده ترکیبی از رویکرد تشخیص سوءاستفاده و تشخیص ناهنجاری، باعث تجمیع مزایای دو روش شده و نقاط



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ضعف هریک از روش‌ها را نیز پوشش می‌دهد. با این رویکرد در به‌کارگیری تکنیک‌های تشخیص تقلب، استفاده از تکنیک شبکه‌های عصبی بسیار کاراست (نظری نژاد و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۹۷). نخستین بار براوس، الگودورف و هپپ پیشنهاد ترکیب سیستم‌های پیوسته نقش محور با رویکردهای منطبق بر شبکه‌های عصبی را دادند. یک شبکه عصبی، مجموعه‌ای از گره‌های به هم متصل شده است که با تقلید از کارکرد مغز انسان طراحی شده‌اند. هر گره ارتباطات وزن‌داری به چندین گره دیگر در لایه‌های مجاور دارد. در شبکه‌های عصبی، به صورت نرم‌افزاری، ساختار داده‌ای طراحی می‌شود که می‌تواند همانند نورون عمل کند. به این ساختار داده‌ها، گره گفته می‌شود. سپس با ایجاد شبکه‌ای بین این گره‌ها و اعمال یک الگوریتم آموزشی به آن، شبکه را آموزش می‌دهند. در بخشنامه شماره ۹۷/۳۴۶۶۰-۹۷/۹-۲۹۷ به لزوم اتخاذ سازوکارهای کنترل داخلی صحیح با رویکردی پیشگیرانه در سطح سیاستگذاری‌های فروتقنینی جهت کاهش ریسک تقلب در بانک‌ها و مؤسسات اعتباری تأکید شده است. سیاستگذاری‌های فرتقنینی ناظر بر نظام پولی و با تصویب قوانین برنامه‌های بانکی کشور هم عمدتاً پنج‌ساله توسعه کشور انجام می‌پذیرد. به موجب قانون برنامه چهارم توسعه، دولت مکلف شد از سال اول برنامه چهارم، نسبت به برقراری نظام بانکداری الکترونیکی و پیاده‌سازی رویه‌های تبادل پول و خدمات بانکی الکترونیکی ملی و بین‌المللی در همه بانک‌های کشور و برای همه مشتریان اقدام کند. در قانون برنامه پنج‌ساله توسعه، ایجاد و ثبت تمام نهادهای پولی و اعتباری از قبیل بانک‌ها، مؤسسات اعتباری، تعاونی‌های اعتبار، صندوق‌های قرض‌الحسنه و صرافی‌ها فقط با اخذ مجوز از بانک مرکزی امکان‌پذیر شد. بر این اساس، اختیار سلب صلاحیت حرفه‌ای و لغو مجوز و محکومیت متخلفان فعال در حوزه پولی به پرداخت جریمه هم به بانک مرکزی داده شده است. قانون برنامه ششم توسعه هم در چارچوب بندهای 6 و 9 سیاست‌های کلی برنامه مبنی بر "تأمین مالی فعالیت‌های خرد و متوسط به وسیله نظام بانکی" و "اعمال نظارت کامل و فراگیر بانک مرکزی بر بازار و مؤسسات پولی، بانکی و اعتباری و ساماندهی مؤسسات و بازارهای پولی و مالی در جهت ارتقای شفافیت و سلامت و کاهش نسبت مطالبات غیرجاری به تسهیلات"، در بخش "نظام پولی و بانکی و تأمین منابع مالی"، تکالیف و برنامه‌هایی را در جهت نیل به اهداف و سیاست‌های یادشده برای نظام بانکی کشور مقرر کرده است. با رویکرد تحقق سیاست‌های کلی برنامه به اعطای اختیارات بیشتر به بانک مرکزی برای اتخاذ اقدام‌های نظارتی و انتظامی علاوه بر اختیارات قانونی مندرج در قانون پولی و بانکی کشور، از جمله اعمال محدودیت یا ممنوعیت توزیع سود و اندوخته‌ها بین سهامداران مؤثر بانک‌ها و سلب حق رأی از آنها، اعمال محدودیت یا ممنوعیت پرداخت پاداش و مزایای مدیران بانک‌ها و سلب صلاحیت حرفه‌ای مدیران عامل و اعضای هیأت مدیره بانک‌ها تأکید شده است. همچنین برای انجام عملیات بانکی، لیزینگ، صرافی و غیره توسط اشخاص حقیقی و حقوقی بدون اخذ مجوز از بانک مرکزی، مجازات از نوع تعزیری درجه شش تعیین شده و نیروی انتظامی موظف شده بنا به اعلام بانک مرکزی نسبت به توقف فعالیت یا تعطیل کردن مؤسسات پولی و بانکی و شعب غیرمجاز اقدام کند (حسینی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۷).

۶- جرم‌انگاری مصادقی جرائم بانکی

به مثابه راهبرد سرکوب‌گرانه سیاست‌های تحریمی و تدابیر اقتصادی مدیران اجرایی موجب شده سودجویان از نتایج تحولات شتاب‌زده پولی و بانکی کشور به انحای مختلف سوءاستفاده کنند و بدین شکل آسیب‌های مهلک به ساختار نظام پولی، بانکی و اقتصادی وارد سازند. حال پرسش این است که در سیاستگذاری‌های پولی، چه جرم‌انگاری‌هایی در حوزه بانکی صورت پذیرفته است؟ به دلیل زمینه اقتصادی جرائم بانکی، قانون‌گذار اقدام به جرم‌انگاری برخی از رفتارهای خلاف قانون کرده است تا زمینه اعتماد مردم به نظام بانکی و اقتصادی را به نوعی تضمین کند. از این رو، درصدد بوده تا سیاست جنایی جامعی تدارک ببیند که راهبرد کیفی کاملی را دنبال کند. قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مبارزه با فساد مصوب ۱۳۹۰ بخشی از مفاسد اقتصادی که علیه حقوق مالی دولت ارتکاب می‌یابند را مورد توجه قرار داده است، اما از حیث راهبرد کیفی، نظام تقنینی ایران با مقررات بسیار پراکنده جزائی در حوزه پولی و بانکی روبه‌روست و مقررات کلی و منسجمی در قبال جرائم بانکی دیده نمی‌شود. پس راهبرد کیفی، حربه‌ای ممکن در جهت مقابله با جرائم بانکی است که به عنوان آخرین راهبرد در سیاست‌گذاری های پولی و بانکی باید مد نظر قرار گیرد (رضایی، ۱۳۹۷: ۱۲). البته بایستی اصلاحاتی در قوانین صورت گیرد تا کارایی حقوق



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

کیفری نظام بانکی مؤثر واقع شود. در کنار برخی از جرائم پولی، بانکی و ارزی جرم‌انگاری شده در مقررات مرجع پولی و بانکی از قبیل قانون پولی و بانکی کشور، قانون مبارزه با پولشویی و آییننامه اجرایی آن، قانون تنظیم بازار غیرمتمشکل پولی، قانون عملیات بانکی بدون ربا، قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران، لایحه قانونی اداره امور بانکها و متمم آن، لایحه قانونی ممنوعیت خروج بدهکاران بانکها و قانون مجازات اخلاطگران در نظام اقتصادی کشور به جرأت می‌توان گفت که برداشت غیرقانونی از حساب مشتریان با استفاده از جعل امضا، مدارک و اسناد، مهمترین جرم بانکی است. ناگفته نماند که بر حسب دولتی و خصوصی بودن بانکها، نوع جرم‌انگاری‌ها هم متفاوت خواهد بود. به عنوان مثال، اختلاس، ارتشا، اخذ کمیسیون و پورسانت، هدر دادن منابع و امکانات بانکی، سوءاستفاده از نفوذ، استفاده از رانت اطلاعاتی و سوءاستفاده از امکانات بانکی، از جمله مصادیق جرائم بانکی هستند که قابل ارتکاب در بانک‌های دولتی هستند. خیانت در امانت، تحصیل مال از طریق نامشروع، اخلاط در نظام اقتصادی کشور، ربا و پولشویی هم از مصادیق جرائم قابل ارتکاب در بانک‌های خصوصی هستند. از دیگر راهبردهای سرکوب‌گرانه با سازوکار جرم‌انگاری مصادیقی جرائم بانکی می‌توان به جرم‌انگاری رفتارهای مخمل نظام پولی در امور ناظر بر تأسیس بانک و فعالیت غیرمجاز در عرصه بانکداری و عملیات بانکی اشاره کرد. راهبرد سرکوب‌گرانه در حوزه مداومت در اشتغال غیرمجاز در عملیات بانکی در قالب دو عنوان مجرمانه "ادامه فعالیت غیرمجاز بانکی اشخاص حقیقی و حقوقی علی‌رغم اعلام قبلی بانک مرکزی" و "ادامه فعالیت بانکی توسط مدیران سلب صلاحیت شده" به ترتیب به موجب تبصره ۴ ماده ۱ قانون تنظیم بازار غیرمتمشکل پولی مصوب 1383 و تبصره ۳ ماده ۹۶ قانون برنامه پنجم توسعه مصوب ۱۳۸۹ جرم‌انگاری شده‌اند. البته ناگفته نماند که این راهبرد به جهت نامتناسب بودن ضمانت اجرای کیفری مقرر، یعنی حداکثر شش ماه حبس، فاقد وصف بازدارندگی لازم بوده است. این در حالی است که ماده ۵۴ قانون بانکداری آلمان مصوب ۱۹۸۸ حبس تا سه سال و ضبط همه اموال حاصل از اشتغال غیرمجاز به عملیات بانکی و پرداخت جزای نقدی معادل اموال حاصل از مبادرت به عملیات غیرمجاز بانکی را برای افرادی که به اشتغال غیرمجاز به عملیات بانکی مبادرت می‌ورزند، تعیین کرده است. برخلاف این راهبرد تعدیلی، عمده جرم‌انگاری‌های صورت گرفته در این حوزه به جهت وابستگی به سیاست‌های دولتی و نظام اقتصادی کشور، با راهبرد تشدید و قاطع کیفری حتی تحت شرایطی از باب فساد اقتصادی با مجازات افساد فی‌الارض مواجه شده‌اند. چراکه فقدان راهبرد سخت‌گیرانه در قبال این جرائم، باعث می‌شود که امنیت دنیای اقتصاد از بین برود. جرم‌انگاری در قالب کلی جرائم اقتصادی و امنیتی کردن راهبردهای سرکوب‌گرانه در مواد ۳۶ و ۴۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ می‌توانند اولویت راهبرد کیفری در نگرش سیاست جنایی تقنینی ایران را تأیید کنند (بنی نعیمه و وروایی، ۱۳۹۷: ۵۷). بررسی جرم‌انگاری‌های ناظر بر حوزه پولی و بانکی نشان می‌دهد که راهبردهای کیفری هم با خلا زیادی مواجه هستند و جرم‌انگاری‌های متعددی نیز که صورت گرفته است که گاه یا در اجرا معطل می‌مانند و یا به نحو کاملی اجرا نمی‌شوند یا با قوانین و مصوبات دیگر در تعارض هستند. با وجود این امروزه به‌کارگیری فناوری اطلاعات در بانک‌ها باعث پدید آمدن ارزش‌های جدیدی شده است و به جهت عدم جرم‌انگاری مستقل برای بستر بانکداری الکترونیک و مجازی، لازم است اجزا و تجهیزات فنی شبکه بانکداری نوین با مفاهیم قوانین جزایی حوزه رایانه تطبیق داده شود و امکان شناسایی رفتارهای مجرمانه ناقض ارزش‌های فنی در بانکداری نوین فراهم شود. یکی از این ابزارهای شیوه تصدیق هویت رایانه‌ای از نظر حقوقی، امضای الکترونیکی است که بدنه اصلی جرائم حوزه بانکداری نوین را به خود اختصاص داده است. برای تعیین نظام کیفری حاکم بر جرائم علیه امضای الکترونیکی بایستی حسب مورد به ماده ۶۷ قانون تجارت الکترونیکی (۱۳۸۲) و ماده ۱۳ قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ اشاره کرد که به موجب آن، شکستن تدابیر امنیتی داده‌ها یا سامانه‌های بانکی که بر اساس نوع درگاه بانکی شیوه نقض تدابیر حفاظتی متفاوت بوده، جرم‌انگاری شده است. مبنای تقسیم‌بندی جرائم ارتكابی علیه امضای الکترونیکی هم دسترسی غیرمجاز از طریق درگاه-های حضوری و غیرحضوری است. بدین‌سان جرم دسترسی غیرمجاز، جامع جرائم سایبری در حوزه بانکی است، چون دروازه ورود برای ارتكاب سایر جرائم در بانکداری نوین است. به همین دلیل اتخاذ راهبرد سرکوب‌گرانه توانگیری نسبت به مرتکبان این جرم ضروری است. از این رو، با شناسایی گذرواژه جهت کارکرد امضای الکترونیکی در درگاه‌های بانکی مثل خودپرداز یا پایانه‌های فروشگاهی، سیاست جنایی افتراقی متمایزکننده حقوق کیفری ماهوی سایبری نسبت به جرائم بانکداری نوین بوده و



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

از این رهگذر خلاهای قانونی و لزوم جرم‌انگاری رفتارهای خاص در بانکداری نوین مشخص می‌شود. بنابراین نبود قوانین متناسب با ساختار ارائه خدمات نوین بانکی و همچنین عدم تحول نظام بانکی با پیشرفت‌های جدید در ارتباط با خدمات نوین بانکی و ضعف سیستم‌های کنترلی، از جمله مشکلات پیشروی نظام بانکی در ایران است. در رویکرد راهبرد سرکوب‌گرانه، متولیان سیاست جنایی در زمینه جرم‌انگاری و حمایت کیفری از نظام پولی و بانکی باید به این امر توجه کنند که پرداخت‌های فاسد برای دستیابی به قراردادهای بزرگ در امور بانکی، امتیازهای عمده و به مؤسسات پولی، خصوصی‌سازی شرکت‌ها، عموماً مالی و اعتباری بزرگ و مقام‌های عالی‌رتبه محدود می‌شود که می‌تواند بر بودجه و چشم‌انداز رشد اقتصادی کشورها تأثیر بسزایی داشته باشد. بر این اساس، در سطح بین‌المللی تلاش‌های متعددی برای مبارزه با این جرائم انجام شده است. به موجب کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه قاچاق مواد مخدر و داروهای روانگردان مصوب ۲۰ دسامبر ۱۹۸۸، دولت‌های امضاکننده متعهد به جرم‌انگاری تطهیر درآمدهای نامشروع تعریف شده در بند ۳ ماده ۳ کنوانسیون وین، در قوانین داخلی خود شده‌اند. این کنوانسیون به موجب ماده واحده‌ای در مورخ ۱۳۷۰/۹/۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است. در دسامبر ۱۹۸۸ در شهر بازل سوئیس، مقام‌های بانکی دوازده کشور، اساسنامه کمیته بازل (بلا) را منتشر ساختند که بانک‌های کشورهای عضو باید با آن انطباق داشته باشند. این اصول شامل شناسایی هویت مشتریان، پرهیز از دادوستدهای مشکوک و همکاری با سازمان‌های مجری قانون مبارزه با پولشویی است (تذهیبی، ۱۳۹۶: ۵۶). اتحادیه اروپا در تاریخ ۸ نوامبر ۱۹۹۰ با امضای پیمان‌نامه‌ای، سیاست مشترکی برای مقابله با جرائم پولشویی در اروپا و یا حتی خارج از آن اتخاذ کرد. بر اساس این منشور، بر تحقیق و بازرسی، ضبط و مصادره درآمدهای حاصل از جرم تأکید و پیشنهاد شد که جرم پولشویی علاوه بر عواید ناشی از قاچاق مواد مخدر، درآمدهای حاصل از جرائم دیگری را نیز شامل شود (باقرزاده، ۱۳۹۲: ۳۱۳). در ژوئن ۱۹۹۱، اتحادیه جوامع اروپایی دستورالعملی در زمینه ممانعت از بهره‌جویی ناشی از عملیات پولشویی منتشر ساخت. اعلام غیرقانونی بودن پولشویی، شناسایی هویت مشتریانی که به دادوستد بیش از پانزده هزار یورو می‌پردازند و گزارش دادوستدهای مشکوک از موارد این دستورالعمل هست. سازمان بین‌المللی گروه بورس‌های اوراق بهادار در اکتبر ۱۹۹۲، گزارش و قطعنامه‌ای صادر کرد که اعضا را تشویق به مبادرت به اقدام‌هایی در جهت مبارزه با پولشویی در بازار اوراق بهادار می‌کرد. برابر ماده ۶ کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با جرائم سازمان یافته فراملی (۲۰۰۰)، از دولت‌ها خواسته شده تا اقدام‌های قانون‌گذاری لازم جهت جرم‌انگاری تطهیر عواید حاصل از جرم صورت دهند. برابر ماده ۷ کنوانسیون پلارمو هم مقرر شده است دولت‌های عضو به منظور شناسایی مشتری، حفظ سوابق و گزارش معاملات مشکوک، یک نظام جامع نظارتی و اداری داخلی برای بانک‌ها و مؤسسات مالی غیربانکی ایجاد کنند. نیروی ویژه اقدام مالی برای مبارزه با پولشویی که از ۲۱ کشور و دو سازمان بین‌المللی تشکیل یافته است، مهمترین نهاد بین‌المللی فعال در مبارزه مستمر و همه‌جانبه برای مبارزه با پولشویی است که در سال ۱۹۹۰ گزارش پیشنویس حاوی برنامه فراگیر برای مبارزه با پولشویی را منتشر کرد و در اکتبر ۲۰۰۱ هم طرح ابتکاری با هدف مبارزه با عملیات تأمین مالی تروریسم و سازمان‌های تروریستی ارائه کرد (غلامی و پوربخش، ۱۳۹۰: ۱۰۸). کنوانسیون مبارزه با فساد (۲۰۰۳ مریدا) که ایران هم در سال ۱۳۸۷ اجازه الحاق به این کنوانسیون را پیدا کرده است و قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد با تاسی از آن در سال ۱۳۹۰ به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده است، مضاف بر توصیه به جرم‌انگاری فساد اداری در بخش دولتی، اجازه جرم‌انگاری فساد در بخش خصوصی را هم به دولت‌های عضو داده است (نظری‌نژاد و اسفندیاری‌فر، ۱۳۹۵: ۲۰۸). ناگفته نماند که قواعد بین‌المللی بانکی و نهادهای اقتصادی بین‌المللی دیگری نیز فرایند انتقال پول را مورد ارزیابی قرار می‌دهند که در این زمینه، نقش سازمان‌های بین‌المللی اقتصادی، بانک‌های جهانی، صندوق بین‌المللی پول، گروه بانک جهانی، کنفرانس برتون وودز، کمیته بیست، کمیته موقت، کمیته توسعه، گروه بانک جهانی و مؤسسات مالی اسلامی بین‌المللی، مرکز حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری، آژانس تضمین سرمایه‌گذاری‌های چندجانبه و... در زمینه تسهیل نقل و انتقال پول و سرمایه حائز اهمیت هستند (رضایی، ۱۳۹۰: ۳۷-۲۰). در این بین، صندوق بین‌المللی پول به عنوان یکی از شناخته‌شده‌ترین مؤسسات وابسته به سازمان ملل متحد، مسئولیت تنظیم نظام پولی و مالی جهانی را بر عهده دارد. این مؤسسه مشاوره‌های فنی و راهبردی به اعضای خود ارائه می‌دهد که حداقل به لحاظ پوشش و گستردگی، به



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

مراتب مهم‌تر از ایفای نقش تأمین‌کننده مالی است (نورایی و سعیدی، ۱۳۹۷: ۹۷). پیش‌بینی‌های اقتصادی بروز و منظم در سطح بین‌المللی و ملی، تأثیر بسزایی در سیاست‌های پولی، مالی و تجاری داشته است و از نتایج عضویت ایران در صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، موظف شدن دولت به محاسبه جداول موازنه پرداخت‌های کشور است که دولت متعهد به ارائه اطلاعات اقتصادی لازم به صندوق شده است.

۷- حمایت افتراقی از بزه‌دیدگان جرائم بانکی

راهبردی فراموش‌شده رشد روزافزون نرخ بزه‌کاری و خطرهای ناشی از گسترش بزه‌دیدگی‌ها و تنوع آسیب‌های اجتماعی و تأثیر آن بر سایر حوزه‌های مورد توجه در سیاست‌گذاری عمومی از قبیل آموزش، بهداشت، سیاست، رفاه عمومی، محیط زیست و امنیت اقتصادی، سیاست‌گذاری جنایی را به عنوان یکی از حوزه‌های اصلی سیاست‌گذاری عمومی معرفی کرده است. در گذشته محور سیاست‌گذاری‌های جنایی، تعقیب و مجازات بزه‌کاران بوده و تأمین امنیت و نظم در گرو مجازات‌های سرکوب‌گر و تنبیهی بوده است، اما تحولات بزه‌دیدگی‌شناسی رفته‌رفته، توجه به حقوق بزه‌دیدگان را از محورهای مهم سیاست‌گذاری‌های جنایی قرار داده است (شیری، ۱۳۹۷: ۱۶۸). افراد یا گروهی از افراد که به علت اقدام‌ها یا سیاست‌های دولتی خلاف قانون یا قواعد کلی حقوق بشر، متحمل صدمه جسمی، فرهنگی و اقتصادی، رنج، محرومیت یا استثمار می‌شوند، بزه‌دیدگان جرائم دولتی هستند که برخلاف جرائم خیابانی، اغلب از هماهنگی ضمنی و تبانی قیمت و دیگر انواع تقلب‌های اقتصادی، پولی و مالی به مثابه جرائم دولتی مطلع نمی‌شوند. در این میان، بانک و بانکداری، از جمله عرصه‌هایی است که با توجه به جاذبه‌های خاصی که برای بزه‌کاران دارد، بزه‌دیدگی‌های زیادی را به جامعه تحمیل کرده است؛ بنابراین احقاق حقوق بزه‌دیدگان مستقیم و غیرمستقیم جرائم بانکی از ضرورت‌ها و استلزامات اساسی عدالت ترمیمی به حساب می‌آید که دولت‌ها مکلف به اجرای آن هستند. جرم‌شناسان انتقادی به موضوع بزه‌دیدگی‌شناسی، جرائم یقه‌سفیدها را که بزه‌دیدگان جرائم بانکی هم می‌توانند در این دسته جای گیرند، از این بزه‌دیدگان با عنوان "بزه‌دیدگان نامرئی" یاد می‌کنند. جرائم بانکی فراتر از هزینه‌های اولیه و مستقیم، هزینه‌های ثانویه دیگری نیز به همراه دارند که به همان اندازه زیان‌بار هستند. تضعیف اعتماد در نظام اقتصادی و بانکداری، از دست رفتن اعتماد و اطمینان در نهادها، فرایندها و سیاست‌گذاران نظام پولی و بانکی و فرسایش اخلاق عمومی، سه حوزه مهم پیامد ثانویه جرم بانکی محسوب می‌شوند (حسینی و قورچی‌بیگی، ۱۳۹۴: ۹). بسیاری از جرائم بانکی به دلیل رفتار کارکنان خود بانک اتفاق می‌افتد؛ بنابراین بانک‌ها باید خسارت‌های وارده به مشتریان را در قبال جرم ارتكابی کارکنان خود بپردازند. بخشنامه دادستان کل کشور در مورد پرونده‌های کلاهبرداری رایانه‌ای پس از الزامی شدن استفاده از رمزهای پویا در راستای توجه به راهبرد حمایت از بزه‌دیدگان جرائم بانکی صادر شده است. با توجه به اینکه به موجب بخشنامه شماره ۹۷/۱۸۶۷۱۷-۱۳۹۷/۶/۱ و بندهای ۱ و ۳ بخشنامه شماره ۹۸/۵۱۶۹۱-۱۳۹۸/۲/۲۱ و شماره ۹۸/۱۶۳۵۷۵-۱۳۹۸/۵/۱۴ بانک مرکزی، ارائه خدمات غیرحضور (نظیر تراکنش‌های بانکی مستلزم استفاده از اینترنتی) در بانک‌ها ضرورتاً رمزهای پویا بوده و از تاریخ ۱۳۹۸/۳/۱ هر گونه استفاده از رمزهای دوم ایستا در تراکنش‌های غیرحضور ممنوع اعلام و ادامه به کارگیری رمز دوم ایستا از مصادیق آسیب‌پذیری امنیتی خدمات بانکی محسوب شده و به عنوان ضمانت اجرا مقرر داشته است که هرگونه سوءاستفاده از حساب‌های مشتریان به دلیل آسیب‌پذیری‌های امنیتی (ناشی از عدم اجرای الزامات رمزهای پویا) در سرویس‌های به عهده بانک بوده و در این موارد بانکی مستقیماً تأیید مرجع قضایی، برای جبران خسارت مشتریان کفایت می‌کند. مقتضی است در پرونده‌های کلاهبرداری رایانه‌ای (برداشت غیرمجاز از حساب‌های بانکی) که پس از الزامی شدن استفاده از رمزهای پویا تشکیل شده، بررسی‌های لازم انجام شود و در صورت احراز انجام تراکنش مجرمانه با رمز دوم ایستا به لحاظ عدم رعایت بخشنامه بانک مرکزی و عدم رفع آسیب‌پذیری امنیتی، دستور پرداخت خسارت بزه‌دیدگی صادر و از طریق سامانه کاشف به بانک متخلف ابلاغ شود. بنابراین اگر بانکی زیرساخت رمزهای پویا در سامانه‌های خود پیاده‌سازی نکرده باشد و دارندگان کارت به دلیل نبود این زیرساخت متحمل ضرر شوند، جبران این خسارت بر عهده بانک و مؤسسه اعتباری یادشده است (بخشنامه دادستان کل کشور، ۱۳۹۸ شهریور). با وجود این، مسئله حمایت از حقوق بزه‌دیدگان جرائم بانکی در ایران راهبرد فراموش‌شده‌ای است که به صورت افتراقی چندان مورد توجه واقع نشده است؛ بنابراین ضروری است که سیاست‌گذاران با اهتمام در این حوزه و بهره‌گیری



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

از پژوهش‌های انجام‌یافته در این عرصه و تطبیق مسئله با کشورهای پیشرو همچون فرانسه، سیاست‌گذاری مدونی در جهت حمایت از این بزه‌دیدگان که در واقع به نوعی از سیاست‌گذاری‌های نامتناسب اقتصادی و بانکی کشور متضرر شده‌اند، اتخاذ کنند. از آن حیث که این کشورها ضمن توسعه دامنه حمایت‌ها به جبران خسارت‌های ناشی از جرائم بانکی، امکان بهره‌مندی بزه‌دیده از حمایت‌های دولت در تمام مراحل دادرسی و حتی قبل از آن را فراهم آورده‌اند و شمول این حمایت در قوانین و اجرا به قدری گسترده است که تمام بزه‌دیدگان حتی بزه‌دیدگان غیرمستقیم بانکی را فرا می‌گیرد و از این حیث، نظام عدالت کیفری بانکی بزه‌دیده‌محور و کاملاً نمونه برپا کرده‌اند و به سمت افق‌های نوین عدالت ترمیمی گام برداشته‌اند. در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی هم کنوانسیون اروپایی پرداخت غرامت به بزه‌دیدگان جرم‌های خشونت‌بار ۱۹۸۳، اعلامیه اصول بنیادین عدالت در مورد بزه‌دیدگان جرم و قربانیان سوءاستفاده از قدرت ۳۰ ۱۹۸۵ (قطعنامه شماره ۳۴/۴۰ مجمع عمومی)، اصول و رهنمودهای حق جبران برای بزه‌دیدگان نقض‌های فاحش حقوق بشر و حقوق بشردوستانه ۲۰۰۵، اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی و برخی دیگر از اسناد بین‌المللی عمدتاً به بیان حمایت مادی و اقتصادی از بزه‌دیدگان، پذیرش حق جبران خسارت بزه‌دیده و نیز راهکارهای جبران پرداخته‌اند. علاوه بر حمایت مادی، حمایت‌های کیفری، پزشکی و روانپزشکی، پلیسی و امنیتی، قضایی و فرهنگی از بزه‌دیدگان هم شکل گرفته است (جلالی و موسوی، ۱۳۹۵: ۷۳). تا جایی که میتوان گفت بهبود کیفی برنامه‌های حکومت از رهگذر اجرای موفق و مؤثر سیاست‌ها در قلمرو رویارویی با بزه‌دیدگان جرائم بانکی، بدون مراعات شفافیت و پاسخگویی در برابر جامعه ممکن نیست. در عین حال، با توجه به اهمیت پیشگیری از بزه‌دیدگی مکرر در نظام بانکی، نقش و کارکرد آسیب‌زای نظام عدالت کیفری سنتی به عنوان یکی از منابع ایجاد بزه‌دیدگی مکرر بایستی مد نظر قرار گیرد. از این رو، هر گونه تحول در چرخه بزه‌دیدگی بانکی، مستلزم تغییر نگرش پارادایمی به نقش بزه‌دیدگان، حقوق و نیازهای آنان از عدالت در امور کیفری و استفاده از ظرفیت‌های رویکرد ترمیمی است.

۸- نتیجه‌گیری

جرائم بانکی که همزمان با شکل‌گیری جوامع جدید پدید آمده‌اند، همگام و متناسب با پیشرفت و ترقی سیستم‌های پولی و مالی کشورها، پیچیدگی و گستردگی بیشتری پیدا کرده‌اند. از جمله آثار مهم اجتماعی و اقتصادی این جرائم، انتقال قدرت اقتصادی از بازار، دولت و شهروندان به مجرمان و سازمان‌های مجرمانه است تا جایی که در صورت گسترش این جرائم در جامعه و عدم مبارزه جدی با آنها و افزایش قدرت بزهکاران حوزه بانکی، به نوعی دولت تحت کنترل آنها قرار می‌گیرد. بنابراین آسیب‌پذیری اقتصاد و سیستم بانکی کشورها بر اثر جرائم بانکی، یکی از مباحث مطرح در دنیای کنونی است. یکی از چالش‌های فراروی پیشگیری و مقابله با جرائم بانکی در ایران، ناشناخته ماندن پیامدها و آثار زیان‌بار این جرائم است که باعث شده حساسیت ویژه‌ای برای رویارویی با آنها ایجاد نشود. اخلاف در فعالیت مؤسسات اعتباری، پولی و بانکی و عدم نظارت بانک مرکزی در بازار پول، خلاف شفافیت و انضباط پولی بوده و نتایجی همچون ورشکستگی بانک‌ها، به خطر افتادن امنیت سپرده‌های مردمی و در نهایت اخلاف در نظام اقتصادی، پولی و بانکی را به دنبال خواهد داشت. حجم عظیم نقدینگی موجود در مؤسسات اعتباری، پولی و بانکی، تعداد زیاد سپرده‌گذاران این مؤسسات، لزوم رعایت احکام شرعی دایر بر ممنوعیت ربا، لزوم رعایت انضباط و شفافیت در بازارهای پولی و پیشگیری از بحران‌های اقتصادی، بانکی و امنیتی در ایران همگی مبین ضرورت سیاست‌گذاری‌های پیشینی و پسینی در این حوزه است. جرم‌انگاری پول شویی، اخلاف در نظام پولی و بانکی و برخی از سوءاستفاده‌های مالی و اجرای بانکداری الکترونیک، از جمله راهبردهایی هستند که در کنار تدابیر پیشگیرانه و حمایتی عام مقرر در مقررات داخلی مد نظر بوده است. نظام کیفری ایران پایبند حداقل‌گرایی راهبرد کیفری در حوزه جرائم بانکی نبوده و این راهبرد، اهمیت تحلیل و تبیین نظام‌مند از اصول راهبرد کیفری را برای سیاست‌گذاری‌های پولی و بانکی دوچندان می‌سازد. بر همین اساس، توجه به مقدماتی چون راهبردهای مدنی خسارت‌مدار و نیز تخلفات و راهبردهای انتظامی به آنها باعث صرفه‌جویی راهبرد کیفری است و علاوه بر آن توجه به جرم‌انگاری حداقلی نظام‌مند و نظام پاسخ‌گذاری ویژه جرائم بانکی و متفاوت از سایر جرائم اقتصادی می‌تواند از اجزای مهم نگرش راهبردنگاری جرائم بانکی تلقی شود. از طرف دیگر، توجه



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

به ارفاق گرایی و عدم تأکید بر امنیتی کردن سیاست راهبرد کیفی و ایجاد مراجع ویژه تعقیب و دادرسی نسبت به جرائم حوزه پولی و بانکی به عقلانی شدن سیاست راهبرد کیفی منتهی می‌شود و از این طریق با اعاده اصل اعتماد و شفافیت قانون گذاری ناظر بر این جرائم، می‌توان کاهش روز افزون وقوع و تکرار این جرائم را انتظار داشت. بدین‌سان در راستای حمایت از نظام پولی و بانکی حاکم بر کشور، مقنن طی مقررات پراکنده‌ای اقدام به جرم انگاری برخی رفتارهای مخل نظام پولی و بانکی کرده است. این در حالی است که به جهت بدون بزه دیده بودن، هنوز خیلی از رفتارهای ناقض امنیت پولی و بانکی به مثابه جرم بانکی در سیاست گذاری افتراقی مد نظر واقع نشده‌اند. جرائم بانکی متضمن لطمه شدید به نظام اقتصاد و بین المللی، یعنی چرخه تولید، توزیع، حمل و نقل، مصرف و پول است؛ بنابراین سازمان‌های بین المللی مانند سازمان ملل متحد و اتحادیه اروپا نیز سیاست جنایی افتراقی با گرایش سخت گیرانه پیش بینی کرده‌اند. از آنجا که مصادیقی از این جرائم مانند پولشویی جنبه جهانی پیدا کرده‌اند، نظام حقوقی کشورهای مختلف در پرتو اسناد بین المللی، از جمله کنوانسیون مریدا، به سمت نوعی همگرایی در پیشگیری و مقابله با این گونه بزهکاری گام بر می‌دارند. این رویکرد، چه در بعد سیاست جنایی پیشگیرانه و چه در بعد سیاست جنایی سرکوبگرانه، در گفتمان مسئولان قضایی، اجرایی و تقنینی ایران، به ویژه در قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد به دلیل تمرکز بر پیشگیری وضعی و فنی، قانون مجازات اسلامی، به دلیل خارج ساختن این جرائم از شمول تعویق، تعلیق و مرور زمان و نیز قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مشهود است. در این میان، سیستم بانکی ایران موظف است با پیاده سازی نظامات و دستورالعمل‌های مرتبط با قوانین مبارزه با پولشویی در جهت استانداردهای این حوزه حرکت کرده و مسیر را برای مراودات بین المللی هموار کند. بر این مبنا تدوین و ارائه الگوی پیشگیری و مقابله با جرائم بانکی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با اتخاذ راهکارهای کاربردی نظیر راهبردهای پیشگیرانه مطرح شده در این نوشتار، جرم زدایی از عناوین مجرمانه بانکی غیرضروری، جرم انگاری جرائم نوظهور در حوزه بانکداری الکترونیکی و به طور کلی تصویب قانون جامع مدیریت نظام بانکی می‌تواند از اثرهای سوء جرائم بانکی در جامعه کاست و در نهایت شاهد کاهش بزهکاری در حوزه پولی، ارزی و بانکی شد.

مراجع

۱. باقرزاده، احد، جرائم اقتصادی و پولشویی، چاپ دوم، تهران: نشر مجد، ۱۳۹۲



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۲. بنی نعیمه، عباس، و وروایی، احمد، جستاری بر راهبردهای کنترل کیفی جرائم حوزه کسب وکار، فصلنامه مطالعات حقوقی، صص ۷۷-۵۳، ۱۳۹۷
 ۳. تذهیبی، فریده و همکاران، پولشویی و روش‌های مبارزه با آن، چاپ ششم، تهران، کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین المللی، صص ۷۳، ۱۳۹۶
 ۴. ثروتی‌بی‌نیاز، مرتضی، مبادی جرم شناختی پیشگیرانه و مدیریت در جرم در جرایم بانکی در حقوق ایران، چهارمین کنفرانس بین المللی مطالعات اجتماعی، حقوق و فرهنگ عامه، تهران، صص ۱۴۱-۱۳۴، ۱۴۰۰
 ۵. جلالی، محمود و همکاران، جهانی شدن تروریسم و راهکارهای حمایت مؤثر از بزه دیدگان آن، فصلنامه پژوهشنامه کیفی، صص ۷۱-۶۸، ۱۳۹۵
 ۶. حسینی، محمد، و قورچی بیگی، مجید، تحلیل بزه دیده شناختی جرائم یقه سفیدها، فصلنامه پژوهش حقوق کیفی، صص ۴۰-۹، ۱۳۹۴
 ۷. رضایی، حمید، تأثیر قواعد بین المللی بانکی و نهادهای اقتصادی بین المللی بر فرایند انتقال پول (پایان نامه کارشناسی ارشد). تهران: دانشگاه پیام نور مرکز تهران، ۱۳۹۷
 ۸. سعادت مهر، سید محمد و همکاران، نوآوری های سیاست جنایی قضایی ایران در قبال جرایم ناشی از ضمانت نامه های بانکی، صص ۴۱-۳۶، ۱۳۹۹
 ۹. شیری، عباس، سیاست گذاری جنایی درباره حقوق بزه دیدگان، فصلنامه سیاستگذاری عمومی، شماره ۱۰، صص ۱۷۰-۱۵۶، ۱۳۹۷
 ۱۰. عبادی، محمدرضا و همکاران، ایجاد مراجع قضایی تخصصی رسیدگی به جرائم بانکی در ایران (ضرورتها و چالشهای فرارو)، سومین کنفرانس بین المللی توسعه و ترویج علوم انسانی و مدیریت در جامعه، تهران، صص ۲۱-۳۴، ۱۴۰۰
 ۱۱. علیزاده، رامین و همکاران، پیشگیری از جرائم بانکی از طریق اعمال ضوابط حاکمیت شرکتی، صص ۱۱۷-۱۰۹، ۱۳۹۸
 ۱۲. غلامی، حسین، سیاست کیفی سلب توان بزهکاری. فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۱۲، صص ۵۳۰-۴۹۷، ۱۳۸۸
 ۱۳. نظری نژاد، محمدرضا و همکاران، بررسی تطبیقی کنوانسیون بین المللی مبارزه با فساد مالی و قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد، فصلنامه پژوهشنامه کیفی، شماره ۷، صص ۲۱۵-۱۹۱، ۱۳۹۵
14. Mulligan M. (2019). *Florida South of University: Florida. TatonDisser*, deficiencies dering laun money-anti of examination An: crimes banking, Penal Islamic the of approach
15. Horn N. (2011) *German banking law & practice in international perspective*. Berlin: Walter de Gruyter